



سکشنه
۱۲ بهمن ۱۳۹۵
۲ جمادی الاول ۱۴۳۸
شماره ۱۹۲

هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانتجویه قرآن و عترت
دانشگاه تهران

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir

سال ششم

از اولین روز پیروزی این انقلاب، همه ما گفتیم و همه ملت باور کردند که کار با پیروزی بر ایادی آمریکا در کشورمان تمام نمی شود، کار در ۲۲ بهمن به پایان نمی رسد، بلکه کار در این روز بزرگ و مبارک تازه آغاز می شود. ما در ۲۲ بهمن قدم در جاده ای گذاشتیم که انتهای این جاده، جامعه اسلامی و انسانی آسوده و پر نعمت و پر برکت و برابر امر خدا و قوانین الهی است؛ به تدریج به آن نهایت نزدیک خواهیم شد.



«طابه»

طراحی نظامات بالادستی؛ اولویت علمی مدرسه قرآنی ها

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۷ بهمن ماه (قسمت پانزدهم)

مقدمه: در هفته های اخیر سفرهایی به استانهای سیستان، کرمانشاه، فارس و آذربایجان غربی توسط آقای اخوت جهت ارتباط با نهادهای آموزشی در کشور صورت گرفت. بیانات پیش رو گزارشی از این سفرها همراه با نکات مهم برای جهت دهی، اولویت بندی و هدفگذاری در سیر علمی اعضای مدرسه قرآن می باشد:

گفته شود. یعنی طول درسها کم شده و به ازای آن وسایل کمک آموزشی نواقص ارائه ها را جبران کنند. دوره های مهارتی بیشتری باید گذاشته شود تا افراد بتوانند با مخاطبان بهتر ارتباط برقرار کنند. اینها مواردی است که باید درست شوند. تحمل فعلی اعضای مجموعه برای قرار گرفتن در مناطق مختلف به خصوص مناطقی که کارهای اجرایی دارد، خیلی کم است و عموماً افراد بلافاصله تا اشکالات را می بینند، جامی زنند. باید با مشکلات مبارزه کرد، خیلی وقتها حتی باید با یک کار اشتباه در ابتدای مسیر همراهی کرد تا بتوان موقعیتها را اشغال نمود. در واقع مجموعه ما نواقص زیادی دارد که البته با اصلاح شدن هم فاصله ای ندارد و به فاصله شش ماه تا یک سال می تواند تبدیل به مجموعه ای توانمند شود که در عرصه های جدی اثرگذار باشد. باید به فکر عرصه های جدی باشیم و این توجه در اثر القاء اتفاق می افتد. باید به افراد بگوییم تو می توانی این کار را بکنی و می توانی وارد شوی. با در اختیار قرار دادن بسته های آموزشی و ارزیابی های درست از آموزشها، این کار امکان پذیر است. ان شاء الله دست به دست هم دهیم و در

سوغاتی سفرهای اخیر این است که کار کنید! در کشور خلاء چند مدل کار واضح است که یکی از آنها برنامه ریزی و تصمیم گیری است، یعنی افراد برنامه ریز، تصمیم گیر و تصمیم ساز خیلی کم اند. مثلاً بودجه ای وجود دارد اما نمی توانند این بودجه را توزیع کنند، یا اینکه بدون بودجه نمی توانند کاری را تولید کنند. در مجموع، ما به فرمانده هایی نیاز داریم که بتوانند مناطق مختلف کشور را احیاء کنند. به نظر می رسد جمع مدرسه قرآن می تواند تعدادی از این فرمانده ها را پرورش دهد. هر چقدر بیشتر می گردیم قدر مدرسه قرآن بیشتر مشخص شده و البته رسالتش هم خیلی سنگین تر خواهد شد. اما مشکل فعلی مان در مجموعه این است که اولاً جمع هنوز روی کارهایی که انجام می دهد چابک نشده است و نتوانسته خودش را سریع به نقاط اثرگذاری برساند و دوم اینکه با مخاطب بیرونی فاصله اش زیاد است و نمی تواند با او ارتباط برقرار کند. سوماً نیروسازی باید به سرعت شکل بگیرد و دوره های آموزشی خیلی طولانی نشوند. دوره دو سال و نیمه برای آموزش عمومی روشهای تدبیر، دوره ای طولانی است. خیلی از درسها باید به صورت کارگاهی و سریع

عرصه های جدی ورود پیدا کنیم. به خصوص اعضای که در دوره های تخصصی تدبیر مشغولند، بهتر می توانند وارد شوند. بدانیم که آموزش قرآن بدین سبک در جای دیگری در عالم نیست و به شدت افراد را هم توانمند می کند. بنده بعضی وقتها به ذهنم رسیده که بعضی دوستان را به تناسب پُستهایی که دارند وارد موقعیتهایی اجتماعی کنم که در آنجا افرادی دارند تصمیم می گیرند تا اعضايمان متوجه شوند که چقدر قدرت پیدا کرده اند و می توانند خلافت داشته باشند، برنامه ریزی کرده و مشکلات را به خوبی تحلیل کنند. وقت آن رسیده که بتوانیم با گروه های دیگر در جامعه مانند گروه های کارآفرینی، آموزشی و... ائتلاف تشکیل داده و کارهای مشترکی انجام دهیم. در این طرحی که در سفرهای استانی داشتم، پیش بینی شده است که حدوداً ۵۰۰ هزار معلم آموزش و پرورش را آموزش دهیم. محتوای اصلی آموزش دو کتاب خیرگزینی و حُسن گزینی می باشند که باید در عرض پنج سال به ۵۰۰ هزار نفر آموزش داده شود. کتب خیرگزینی و حسن گزینی دارای مفاهیمی هستند که بر مفاهیم دیگر روان شناسی و غیره غلبه دارند. به نظر می رسد با این روند، تا پنج سال دیگر حدود صد هزار نفر با مدرسه قرآن ارتباط پیدا کنند و اثرگذاری ایجاد شود. واقعا کتابها و کارهای قرآنی



در حوزه های قرآن، رشد و... کار را شروع نماییم. در واقع ما باید طول آموزش خود را کم کرده و قدرت افراد را بیشتر کنیم. در این باره بعضی افراد نکته های دارند و می گویند قدرت استفاده شان از قرآن به شدت کم است و می توانند موضوعی را به سرعت از قرآن استخراج کنند و احساس نیاز به جلساتی می کنند که این توانایی را آموزش داده شود.

نکته آخر اینکه بعضی وقتها باید کارهای به ظاهر غیرمفید در جامعه انجام داد تا در اثر اصطکاک با دیگران، ببینیم چه چیزهایی داریم که درست است و چه چیزهایی نداریم و باید به دست بیاوریم. الان اگر از وزارتخانه های مختلف به مجموعه ما هر پیشنهادی بدهند می گوئیم نه! به چه درد می خورد! کسی استفاده نمی کند! در صورتی که می توانیم از این محمل برای ارزیابی خودمان استفاده کنیم. ارتباط با علماء و دانشمندان حوزه های علمی، مجموعه را ورز می دهد. مدرسه های تخصصی می توانند سبکهای خود را با علمای مربوطه و صاحب نظر به وسیله گفتگو، مناظره و... در میان بگذارند. این گفتگوها به قدری باید طرح شود که مجموعه ما با دیگر گروهها و افراد همگرا شود و به صورت همگرا وارد حل مشکلات جامعه بشوند. اگر ما به تنهایی بخواهیم مشکلات جامعه را حل کنیم قطعاً نمی توانیم. اگر میل به انقلاب اسلامی داشته باشیم و بخواهیم انقلاب حفظ شود ناچار هستیم با بقیه نهادها و سازمانها همگرایی فکری داشته باشیم و باید قدرت گفتگو و گفتن سازی پیدا کنیم. وظیفه ما این است که از دیگران تلمذ کنیم، عرضه اعتقادات داشته باشیم و مطالب خود را ارائه دهیم. تواضع، صفت خیلی خوبی است که الحمدلله دوستان مدرسه قرآنی از آن بی نصیب نیستند و البته باید تقویت هم شود. ارتباط با دیگران خیلی کمک می کند که ما بتوانیم یاد بگیریم و نواقص خود را برطرف کنیم. اینکه در مدرسه را ببندیم خطاست و کم کم انحراف ایجاد می کند. باید افرادی به جمع اضافه شوند که از جنبه های مختلف توانمند باشند. این آشنایی ها منجر به بهره مندی و هم افزایی های خوبی می شود، ان شاء الله. به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

مدرسه قرآن الان باید به فکر طراحی آن نظام بالادستی باشد تا بتواند قسمتهای پایین تر را پوشش دهد. یک زمان در یک شهر، مثلاً ۲۰۰ معلم را آموزش می دهید و یک وقت در شهری، تنها پنج نفر را آموزش می دهید اما پنج نفری که موثر هستند. هزینه ای که برای این پنج نفر می کنید به مراتب کمتر است اما تاثیری که می گذارند بیشتر است. ما باید به این سمت پیش برویم که ان شاء الله برنامه ها به سطح بالاتری بروند. به همین خاطر کارهایی که انجام می شود باید در مسیر آموزشی افراد و به هدف قوی شدن آنها باشد. پس افراد را به سرعت وادار به کارهای اجرایی نکنیم مگر اینکه در سیر آموزشی آنها تعریف شده باشد. باید آنقدر قوت پیدا کنید که افراد قوی و تاثیرگذار را بتوانید جذب کنید. شما وقتی وارد مکانهای مختلف می شوید باید از همه کتابها و دوره های مدرسه قرآن، مقداری اطلاع داشته باشید تا بنا به مخاطبتان بتوانید انتقال مفاهیم کنید. پس هر کس در سیر علمی خود باید برنامه ریزی داشته باشد که بتواند به این اشراف همه جانبه برسد. مثلاً خوبست برای کتب منظومه رشد، کارگاههای یکی-دو روزه طراحی شود تا افرادی که در حوزه های دیگری در مدرسه قرآن مشغولند، با این مباحث به طور چکیده آشنا شوند و بسته های آموزشی تهیه شود که اگر فردی خواست سریع آموزش ببیند از آنها استفاده کند. باید به نقطه ای برسیم که بتوانیم بسته های آموزشی آماده کنیم تا افراد بتوانند سریعتر آموزش ببینند، علتش هم اینکه به طور طبیعی زمان طولانی هم افت انرژی و هم هدر رفت نیرو را در پی دارد. اگر شما بتوانید آموزش دو سال و نیمه روشهای عمومی تدبیر را یک ساله کنید، بهتر می توانید برنامه ریزی نمایید. باید برای هر درسی، افرادی فکر کرده و فشرده سازی کنند. نه اینکه از مطالب کم کنند بلکه با روشهای تکنولوژی آموزشی بتوانند یک مفهوم را سریعتر به مخاطب منتقل نمایند. بنده دیده ام که خیلی از علمایی که سخنرانی می کنند به دلیل بهره مندی این تکنولوژی یک مطلب عریض و طویل را در یک فیلم یک ساعته به راحتی مطرح منتقل می کنند. ما فعلاً بلد نیستیم و کار نکرده ایم و باید کار کنیم. الان هم که خیلی راحت می توانیم

و روایی تاثیرگذار هستند. افراد وقتی روایات را می شنوند، پذیرششان زیاد می شود و برخلاف تصویری است که می گویند وقتی پای قرآن و روایت به میان می آید مخاطب گوش نمی دهد! اتفاقاً هر جا که به عنوان یک موسسه قرآنی رفت و آمد کردیم ما را بیشتر از کسانی که روانشناس بودند، تحویل گرفتند که نشانه خوبی است. منظور این است که جامعه برای مدرسه قرآن مخاطب وسیعی دارد که برای همه آنها مدرسه قرآن می تواند نیرو بفرستد و کارهای مختلفی مثلاً با برگزاری کارگاههای یکی-دو روزه و منضبطی که می تواند افراد را سریعاً فعال کند، انجام دهد. همراهی با گروههای مختلف در جامعه کمک می کند تا بتوانیم بسته های آموزشی مان برای خارج از مجموعه را مهارتی تر تهیه کنیم. الحمدلله محتوای کتب مدرسه قرآن، مملو از مفاهیمی است که راحت میتوان دهها بسته آموزشی را در سطوح مختلف و سنین مختلف از آنها تهیه کرد. در نتیجه هر کدام از مدارس تخصصی باید بتوانند بسته های مرتبط با حوزه خودشان را آماده کنند. وزارت آموزش و پرورش به تازگی درسی به نام تفکر را برای دوره دبیرستان گذاشته است. وقتی که آموزش و پرورش درسی را تعیین کند، حتی در کوره دهاتهای کشور هم باید تدریس شود و برایش معلم بگذارند. حال اگر بسته ای آموزشی برای درس تفکر تهیه شود، تمام مدارس از شهرها تا دهاتها را پوشش می دهد. پس معلوم است که اگر روی بعضی کارها تمرکز شود با یک موج قوی تا اعمای روستاها هم نفوذ می کند. ما باید به فکر اشغال چنین نقاطی باشیم. یعنی نقطه هدف اعضای مدرسه قرآن باید طراحی آن کتاب تفکری و هدفشان آموزش معلمان آن درس باشد. هر چه قدر افراد ما قوی تر بوده و ابداعاتشان بیشتر باشد، سطح افقی که در ذهنمان می آید و می خواهیم مورد حمله قرار دهیم جای حساس تری خواهد بود. اگر در صد تا مهد کودک هر چه قدر نیروی مربیگری هم وارد کنید، هیچ کار موثری از آنها بر نمی آید اما تصور کنید اگر طرح درسی برای مهدکودکهای سطح کشور نوشته شود و بعد این طرح درس حتی فقط به حدود بیست نفر از مربیان آموزش داده شود، بطور طبیعی این روند به سمت سیستمی شدن کشیده می شود.

یادداشت علمی

سوالات مهم از استاد کلاس سورهای مدنی

بگیرند تا یک شب به آنچه در توانشان نبوده تظاهر کنند و ترمیمی کاذب بر کرامت از دست رفته شان در جامعه بجویند.

حرفم این است: من وقتی حکمهای عرصه اجتماعی ام را در می آورم، دنبال احکامی می روم که مرا تایید می کنند و به حکمهای بالادستی که سبک زندگی را بالکل زیر سوال می برند یا توجهی ندارم و اصلاً نمی شناسم، و یا توجیه کرده و از آن ها می گذرم. حتی چنین تهرینی ممکن است فرد را دچار احساس رضایتی کاذبانه از خود کند. بدتر اینکه بعید نیست چون احساس میکنم در حال عمل به حکمهای شرعی هستم، حال بسیار خوبی از این نوع دینداری هم پیدا کنم. آدم از عاقبتش می ترسد که نکند مصداق این آیات شود: ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ *أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا *ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ رُسُلِي هُزُوًا﴾ (کهف، ۱۰۶-۱۰۷).

استاد بزرگوار! سوال بنده این است: آن، چه «علم و فهمی» است که کمک می کند بتوانم بنده، عمل خود را «نقد» کنم تا بلکه ارتقاء یابم؟ آیا آن علم، همان توان شهود بر نفس خویش و رؤیت صحیح مسائل جامعه و تحلیل و نسبت یابی خودمان با جامعه است؟ آیا صفت انصاف و جواهری است؟ آیا شاکله ابراریت است؟

ممکن است همه اینها یا بعضی شان باشد...

آیا یافتن چنین شاکله و صفتی مقدم بر عمل به حکمها نیست؟ ممکن است بفرمایید مقدم بودنش زمانی نبوده بلکه رتبی است. یا اینکه بفرمایید حُب آنقدر عمل خوب انجام می دهم تا آن شاکله ابراری را پیدا کنم، سوال بعدی این است که ضمانت اینکه مصداق آیات فوق نشویم، در راه نمائیم و به مقصد برسیم، چیست؟

این تهرینها همه شان خوبند اما تنها هنگامی که فرد در شناخت و عمل به حکمها، در برابر احکامها و قوانین بالادستی تسلیم شود، برای او تحولی را ایجاد میکنند. در مثال فوق، «عدم ساده زیستی و نفی آن» - به دلایل مختلف - خود از مهمترین مصادیق ایجاد شکاف در جامعه دینی است و تا این را در زندگی شخصی برای خود معلوم نکنیم، ولو میلیونها خرج خیریه نمائیم اما جریانی از انفاق را هرگز نخواهیم توانست راه بیندازیم، بلکه بدتر برای خود وزر و وبالی هم کسب کرده ایم.

کاش یکبار تکلیف می دادید آدمها بروند و از خودشان پایین ترها (پایین تری در ظواهر زندگی، ظواهر دینداری، فرهنگ و...) در جامعه را ببینند و بگویند حالا این رویت چه تغییری در زندگی شان ایجاد کرده است و سهم خود را در وضعیت ناگوار ایجاد شده برای مستضعفین جامعه چه بخشی می دانند؟

امیر مومنان (علیه السلام) فرمود: تَخَفُّوا تَلَحُّقُوا؛ سبکبار شوید تا برسید.

مقدمه: کلاس روشهای تدبر در سور مدنی از دوره های تخصصی روشهای تدبر می باشد که در این دوره همراه با تدبر در سوره ها، قرآن پژوه بایستی طرحی برای عملیات در جامعه نیز در نظر بگیرد. در هفته های اخیر، تکلیفی بر این اساس پیشنهاد گردید که هر فرد عرصه ای اجتماعی که در آن حضور دارد را در نظر بگیرد، احکام مربوط به آن عرصه را از منبعی شرعی استخراج نماید و با در نظر گرفتن چند نکته دیگر، طبق احکام عمل نماید و با احکام و اوامر در سور مسبحات (حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن) انطباق داده تا امکان رویت اسماء الله ای که در سوره ها ذکر شده است را بیابد و گزارشی از این رویت اسماء ارائه دهد.

متن پیش رو، نامه یکی از اعضای کلاس در همین رابطه به استاد اخوت می باشد:

با یک مثال آغاز میکنم: بیایید فرض کنیم ما در شرایط مرفهی زندگی میکنیم و البته میخواهیم تکلیف تعیین عرصه و رویت اسماء را هم انجام دهیم. امر سوره حدید به انفاق را در عرصه خانوادگی می خواهیم اجرا کنیم. پس طبق تکلیف، حکمهای این عرصه را در می آوریم. که مثلاً یکی از آنها این است: هر فرد و خانواده نسبت به دیگران در اجتماع وظیفه انفاق را دارد و انفاق مالی یکی از حالتهاست. خب ما هم چون توانش را داریم پس قرض الحسنه و صدقه را در دستور کار قرار می دهیم. می بینیم قبلاً هم بر این امر اهتمام داشتیم و حالا می فهمیم کارمان درست بوده و باید بر این امر استمرار داشته باشیم. اما خودمان مواجهه ای با فقرای جامعه نداریم، یا اگر داشته باشیم، مقایسه ای بین وضعیت خود و آنها نداریم.

در حالیکه اگر در این مثال فرد واقعا بخواهد در سطح بالاتری معنای انفاق را بفهمد باید بداند پُر کردن شکافهای اقتصادی زندگی دیگران، الزاماً به صدقه و غیره نیست. همین که ما در زندگی مان رسومات، مراسمات، خریده ها و تجملاتی داریم که در معرض دید دیگران می گذاریم و وقتی فقرا ما را می بینند حسرت خورده و غیر از غم نداری، به طور طبیعی دچار همز و لمز و افسردگی از وضعیتشان می شوند، بدترین شکاف در جامعه ای مدنی است.

وقتی فقری سبک زندگی با کرامت را همانی که ما مرفهین داریم و نشان می دهیم، فرض کند، آنگاه حتی وقتی مالی به دستش می رسانیم، نمی تواند اولویت درست زندگی اش را تشخیص داده و در آن امر خرج کند. نمونه اش روستاییانی هستند که مثلاً تلویزیون ال.سی.دی می خرند در حالیکه نیاز مبرم به حفظ و صرف آن مال برای تغذیه صحیح و سلامتی شان دارند. یا نمونه اش مستضعفینی هستند که به دلیل احساس حقارت از فقرشان، مدت ها در دوران عقد می مانند و حاضرند با قرض و صدقه، مراسم عروسی

پیشخوان

گزارشی از برگزاری کارگاههای منظومه رشد در طرح ملی «نماد»

یکی از توفیقاتی که اخیراً نصیب تمامی اعضای مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت علیه السلام شده است، پررنگ شدن حضور اعضا، در عرصه‌های اجتماعی به خصوص ارائه آموزشهای کتب منظومه رشد به صورت خاص برای معلمان می‌باشد. این امکان به پاس نگارش کتابهای مهارتی منظومه رشد؛ طیب‌گزینی، خیرگزینی و حسن‌گزینی فراهم شده است.

عملیات مربوطه با عنوان طرح ملی «نماد» و با همکاری وزارت آموزش و پرورش و معاونت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی در قوه قضائیه با حضور تعداد قابل توجهی از اساتید و متخصصین پرتلاش و خیره از دانشگاههای بنام کشور در موضوعات روان‌شناسی، رشد کودک و نوجوان، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، مشاوره، خانواده، مددکاری، مهارت‌ورزی ارتقای و... در

یافتن روند آموزش زده شد. برای اینکه بتوان این جرقه‌ها را غنیمت شمرد و موقعیتهای خدمت را از دست نداد نکات زیر به عنوان ثبت یک تجربه ارائه می‌گردد:

۱- برای آموزش یک موضوع به مخاطب، آماده‌سازی سیر ورود، فرآیند و خروج لازم است که از آن به طرح درس یا طرح کارگاه یاد می‌شود.
۲- اگر مربی در ذهن خود و نیز در طرح خود بر این سیر مسلط باشد، در عین حال انعطاف در اجرا را فراموش نمی‌کند و در صورت نبود

داده شود تا جوانب کار و محورهایی که در عرصه پیش خواهد آمد از قبل پیش‌بینی شده و تدابیر لازم در نظر گرفته شود.

۵- لازم است مبلغ نسبت به فرهنگ، ذائقه، سطح اجتماعی، توانمندیهای فردی و محیطی، آسیبهای منطقه‌ای و... مخاطب آگاهی داشته تا ارتباط موضوعات را با مسائل مخاطب برقرار کند. در نتیجه آنچه منتقل می‌کند بیشترین اثر را خواهد داشت.

۶- هر چه قوت طرح درسها و کارگاهها به جهت مهارت، تمرین‌مداری، مشارکت محوری و... بیشتر باشد، مخاطب با موضوع ارتباط موثر و ماندگارتری خواهد گرفت.

۷- از آسیبهای پیش رو تعاریف متفاوت مخاطب از دایره‌المعارف تخصصی قرآن است، که لازم است برای هر واژه، معادل عرفی آن در ضمن توجه به وجوه تفاوت ساخته شود.



امکانات، تغییر ذائقه مخاطب و... بر اساس علم موجود، موضوعات طرحش را تغییر میدهد.
۳- برای داشتن انعطاف در آموزش که لازمه هر تدریس جهادی است طرح درسهای متنوع برای یک موضوع و ارائه تمرینهای متنوع برای تفهیم آن در دستور کار بایستی قرار بگیرند.
۴- لازم است سیر آموزش موضوع قبل از ارائه به دیگران، گام به گام به مخاطب فرضی آموزش

دی‌ماه و بهمن‌ماه سال جاری در مشهد مقدس برگزار گردید.
با حضور اعضای گروه منظومه رشد از طرف مدرسه قرآن در این طرح ملی، آموزش دو موضوع خیرگزینی برای معلمان دبستان و حسن‌گزینی برای معلمان متوسطه اول و متوسطه دوم ارائه شد. استقبال نسبتاً خوبی از طرف معلمان مشاهده و جرقه‌های ادامه

برگزاری دوره مهارتهای فهم قرآن توسط مدرسه حفظ و تدبیر

سه‌گانه «مهارت‌های فهم قرآن» از سری نشست‌های «از نگاه المیزان» ویژه خواهران و توسط مدرسه قدر (حفظ و تدبیر) در روزهای سه شنبه ۱۲ بهمن، ۲۶ بهمن و ۱۰ اسفند از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷:۳۰ در طبقه سوم مدرسه قرآن برگزار خواهد شد.